

نابغه روزگار ناقد و مصحح

ریحانه خاتون*

ترجمه خان محمد صادق جونپوری♦

لغت‌نویسی و تصحیح و نقد لغت یکی از فنون مهم و مشکل زبان فارسی است؛ ولی پروفیسور نذیر احمد در این زمینه صاحب نظر بود و با در نظر گرفتن تمام مسائل و زوایای کار به تصحیح فرهنگ لغت می‌پرداخت و در متون انتقادی که وی آماده می‌کرد، کمتر اشتباهی رخ می‌داد. استاد نذیر احمد فرهنگ‌های زیر را تصحیح کرده است:

۱. فرهنگ قواس، تألیف فخرالدین مبارک‌شاه غزنوی که قبل از سال ۶۹۵ ق نوشته شده است.

۲. دستورالافاضل، تألیف حاجب خیرات دهلوی، ۷۴۳ ق.

۳. زفان‌گویا تألیف بدر ابراهیم، تألیف قبل از سال ۸۳۷ ق.

۴. لسان‌الشعرا، تألیف محمد عاشق.

۵. نقد قاطع برهان مع ضمایم: ۱۹۸۵ م.

۱. فرهنگ قواس: این فرهنگ در زمان علاءالدین خلجی (۶۹۵-۶۱۷ ق) نوشته شده است و دوّمین یا سوّمین فرهنگ در ایران و اوّلین فرهنگ در هند به‌شمار می‌رود. این اثر اوّلین فرهنگ مکشوف در هند است و نسخه منحصر به‌فرد آن در ایشیاتیک سوساییتی موجود است؛ ولی این نسخه ناقص است. در فرهنگ‌های بعدی از این اثر بسیار استفاده شده است و به‌همین سبب استاد به‌اهمیت آن پی برد و شروع

* رئیس اسبق بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

♦ دانشجوی فوق لیسانس فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

به تصحیح آن کرد. وی با استفاده از فرهنگ‌هایی که مطالب این فرهنگ را نقل کرده بودند و فرهنگ‌های دیگر متن انتقادی خوبی آماده کرد. وی در تصحیح این فرهنگ از کتاب‌های زیر بهره برده است:

لسان‌الشعرای محمد عاشق، زفان‌گویا از بدر ابراهیم (قبل از ۸۳۷ ق)، لغت فرس اسدی طوسی (قبل از ۴۶۵ ق)، صحاح‌الفرس از هندو شاه نخجوانی معروف به شمس منشی (۷۲۸ ق)، معیار جمالی از شمس فخری (۷۴۵ ق) دستورالافاضل از حاجب خیرات (۷۴۳ ق)، فرهنگ رشیدی از عبدالرشید تتوی (۱۰۶۴ ق)، فرهنگ سروری (۸۶۷ ق)، مؤیدالفضلا از محمد لاد دهلوی (۹۲۵ ق)، فرهنگ جهانگیری از حسین انجوی شیرازی (۱۰۱۷ ق)، ادات‌الفضلا تألیف بدر دهلوی (۸۲۲ ق)، شرف‌نامه منیری تألیف ابراهیم قوام فاروقی (اوایل سده نهم هجری)، بحرالفضایل تألیف محمد بن رستم (۸۳۷ ق)، انجمن آرای ناصری تألیف رضا قلی خان هدایت (۱۲۸۸ ق)، فرهنگ نظام (۵ جلد) تألیف سید محمد علی داعی‌الاسلام (۱۳۵۸-۱۳۴۶ ق)، فرهنگ آندراج تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد (۱۳۰۶ ق)، دیوان انوری، مثنوی لیلی و مجنون نظامی، دیوان رودکی، ادیب صابر، خاقانی، فرخی، عسجدی، وامق و عذرای عنصری، شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، تحفة‌العراقین خاقانی، رساله‌النصر، مقدمه‌الادب زمخشری، حدودالعالم، چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، سبک‌شناسی و غیره. مصحح اشعار نقل شده از دیوان دیگر شاعران و فرهنگ‌ها را نیز تصحیح کرده است.

پروفسور نذیر احمد در مقدمه این فرهنگ که به دو زبان انگلیسی و فارسی است، درباره مؤلف، انتساب فرهنگ، مندرجات فرهنگ، منابع و مآخذ، استفاده از لغت فرس طوسی، ویژگی‌ها و نواقص این فرهنگ، تقدم، تأخر و تکرار عبارتها، سبک زبان فرهنگ، دست‌نویس و اغلاط موجود در آن، تجدید نظر و اضافات و تصحیح متن فرهنگ قواس سخن گفته است.

نام دیگر این فرهنگ فرهنگ‌نامه پنج‌بخش است یعنی این فرهنگ پنج‌بخش و هر بخش آن چند گونه دارد. بخش اول متعلق به عالم بالا است و آن خود پنج گونه دارد: اول اسماء خداوند، دوم فرشتگان، پیغمبران، دین و کتاب‌های دینی، سوم

آسمان و ستارگان، چهارم آتش و باد آب و خاک و بخش پنجم نام چیزهایی که در آسمان و زمین یافت می‌شوند. یعنی این فرهنگ به ترتیب الفبایی مرتب نشده است، بلکه عناوین مختلف یکجا آورده شده است. یک فرد عادی به مشکل می‌تواند از این فرهنگ استفاده کند. مثلاً تحت عنوان آلات جنگی تمام آلاتی که در جنگ کاربرد دارند، آورده شده‌اند. اگر کسی دنبال واژه‌ای باشد ولی نداند که مثلاً این واژه از آلات جنگی است، باید تمام فرهنگ را ورق بزند تا آن را پیدا کند. استاد نذیر احمد برای حل این مشکل فهرست الفبایی واژه‌ها را در ابتدای فرهنگ آورده است و این بزرگ‌ترین ویژگی تصحیح این فرهنگ است. وی همچنین فهرست نام اشخاص، کتاب‌ها و اعلام را نیز مرتب کرده است. وی واژه‌های ناخوانا را به کمک فرهنگ‌های دیگر کاملاً مقایسه کرده و به‌ندرت واژه‌های ناخوانا را به همان صورت آورده است.

در این فرهنگ واژه، معنی آن و شعر شاهد همه در یک سطر و بدون فاصله نوشته شده است و به‌همین دلیل تشخیص اینکه واژه اصلی کدام است و معنی آن از کجا شروع می‌شود و شعر شاهد کدام است، کمی مشکل است.

در صورت اثبات اشتباه مؤلف در نقل ابیات، پروفیسور نذیر احمد آن را به همان صورت باقی می‌گذاشت و در حاشیه، بیت اصلی را می‌آورد. ولی اگر کاتب در نقل لغت اشتباه می‌کرد، استاد آن را در همان متن تصحیح می‌کرد. مصحح عقیده داشت که متن انتقادی باید نزدیک‌ترین متن به‌نوشته مؤلف باشد.

استاد برای کمک بیشتر به‌خوانندگان معانی دیگر یک واژه را از فرهنگ‌های مختلف استخراج کرده و همراه نام مختصر فرهنگ و شماره صفحه آن در حاشیه کتاب آورده است. اگر نام شاعری در متن نیامده باشد، وی آن را در حاشیه نقل کرده است و اگر نام شاعر در متن اشتباه نقل شده باشد، وی آن را به همان صورت باقی گذاشته و نام صحیح را در حاشیه آورده است. این متن انتقادی فرهنگ قواس که براساس نسخه‌ای منحصر به‌فرد تهیه شده است، در سال ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م به‌کمک احسانیار شاطر توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران به‌چاپ رسید.

پروفسور نذیر احمد در سال ۱۹۹۲ م مجموعه‌ای مهم از موزه کراچی پاکستان حاصل کرد. وی با مطالعه دقیق دریافت که این مجموعه شامل پنج کتاب است. آغاز و اختتام این کتاب‌ها و نام مؤلف مشخص نبود؛ ولی دقت نظر و کثرت مطالعه استاد ثابت کرد که در این مجموعه چهار فرهنگ و یک ترجمه امرت کهند وجود دارد. وی این کتاب‌ها را از هم جدا کرد و نام کتاب، نام مؤلف و سال تألیف آنها را مشخص کرد: فرهنگ قواس، فرهنگ مختصری که ناشناخته ماند، فرهنگ زفان‌گویا و جهان پویان، ترجمه امرت کهند (ناقص) و فرهنگ لسان‌الشعرا. نسخه فرهنگ قواس موجود در این مجموعه کامل بود و به‌کمک این نسخه نواقص چاپ اول فرهنگ قواس برطرف شد. به این ترتیب وی به‌کمک نسخه چاپی و نسخه کراچی متن انتقادی کاملی آماده کرد که در سال ۱۹۹۹ م توسط کتابخانه رضا رامپور منتشر شد. وی مقدمه چاپ اول را نیز در این نسخه آورده و در آن درباره املای واژه‌ها و نتایج مقایسه دو نسخه بحث کرده است. وی همچنین اشعاری را که در فرهنگ چاپی نیامده بود ولی؛ در نسخه کراچی موجود بود، به‌متن اضافه کرده است.

۲. **دستورالافاضل:** دستورالافاضل اثر حاجب خیرات دهلوی است که در زمان سلطان محمد تغلق (۷۵۲-۷۲۵ ق) نوشته شده است. این کتاب به تصحیح و تنقید پروفسور نذیر احمد و به‌کوشش استاد پرویز ناتل خانلری دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران در همین بنیاد در سال ۱۳۵۲ ش/۱۹۷۳ م چاپ شده است. انتشار کتاب فرهنگ قواس و فرهنگ دستورالافاضل در ایران مبین این امر است که نذیر احمد و آثار وی نه فقط در هند، بلکه در ایران نیز محبوبیت خاصی دارد.

درباره مؤلف دستورالافاضل اطلاعات کمی در دست است. استاد در مقدمه فارسی این اثر شرح حال مختصری از زندگی مؤلف آورده است. شمس‌الدین محمد ممدوح حاجب به‌دلیل مختصر بودن فرهنگ قواس از حاجب درخواست کرد که فرهنگ جدیدی تألیف کند. حاجب به‌فرمایش وی این فرهنگ را آماده کرد و در مقدمه آن اشعار خود را نیز نقل کرد. ولی به‌قول استاد این فرهنگ خود یکی از مختصرترین فرهنگ‌های موجود است. در این فرهنگ معنای واژه بسیار مختصرتر

از فرهنگ قواس آورده شده است، شواهد شعری در آن موجود نیست و توجهی به تلفظ واژه‌ها نشده است.

استاد در تصحیح این متن از مأخذ مورد استفاده حاجب یعنی فرهنگ قواس نیز استفاده کرده است. استاد نذیر احمد این نکته را دریافته بود که حاجب فرهنگ قواس را مهم تلقی کرده و بعضی از مندرجات آن را عیناً نقل کرده است. مصحح به این موارد اشاره کرده است. به نظر استاد اشتباهات موجود در فرهنگ‌های بعدی را می‌توان به کمک دستورالافاضل بر طرف کرد.

استاد به این نکته نیز پی برده بود که در دستورالافاضل معنای واژه‌ها به فارسی آورده شده است؛ ولی در ذیل مترادفات آن واژه‌های هندی نیز نقل شده است که از نظر زبان‌شناسی بسیار مهم است. بعضی از این واژه‌ها با همان تلفظ و املا قدیمی، امروزه نیز رایج هستند و بعضی‌ها به مرور زبان از بین رفته‌اند. مصحح به این موارد اشاره کرده است. مصحح نه فقط محاسن دستورالافاضل را بیان نموده، بلکه به نقایص آن نیز اشاره کرده است. در این فرهنگ نیز مانند دیگر فرهنگ‌ها قانون خاصی برای ضبط واژه‌ها وجود ندارد؛ یعنی چه واژه‌هایی باید در فرهنگ آورده شوند. مثلاً از واژه‌ای در فارسی به ندرت استفاده می‌شود؛ ولی در این فرهنگ این واژه آورده شده است که کمی عجیب به نظر می‌رسد. به این دلیل که این فرهنگ مختصر است و بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات، مرکبات، تلمیحات، تشبیهات و استعارات در آن ذکر نشده است؛ ولی واژه‌ای کم مستعمل را نقل کرده است.

به نظر مصحح معنای بعضی واژه‌ها اشتباه درج شده بود که وی معنای درست آن را به کمک فرهنگ‌ها و کتاب‌های دیگر در حاشیه آورده است. مؤلف دستورالافاضل در نقل بعضی از واژه‌ها دچار اشتباه صوری و معنایی شده است. مثلاً یک جا واژه سعت را به معنای کشیده آورده و در جای دیگر واژه سبغه را باز به همان معنا آورده است و معلوم است که یکی از این واژه‌ها اشتباه است. استاد بعضی از این واژه‌ها را اصلاح کرده و در بعضی موارد به دلیل نبود شاهد آن را به همان صورت باقی گذاشته است. مؤلف دستورالافاضل در نقل بعضی از واژه‌ها از فرهنگ قواس دچار اشتباه شده است و مصحح به این نکته نیز اشاره کرده است.

تنها نسخه خطی دستورالافاضل در کتابخانه ایشیاتیک سوسایتی بنگال در کلکته موجود است. این اثر ۲۲ ورق و هر ورق آن ۲۲ سطر دارد. اگرچه این نسخه تاریخ کتابت نداشت اما مصحح به دلیل آشنایی با تاریخ کاغذ و به کمک فرهنگ‌های دیگر دریافت که این اثر متعلق به قرن دهم است. نسخه خوانا بود؛ ولی نواقصی داشت و نسخه دیگری نیز وجود نداشت تا به کمک آن بتوان این نواقص را برطرف کرد. استاد تلاش کرد تا با کمک مؤیدالفضلا این نسخه را تصحیح کند. مؤلف مؤیدالفضلا خود بسیاری از واژه‌ها و معانی آنها را از دستورالافاضل نقل کرده است. اغلاط موجود در مقدمه دستورالافاضل به کمک مقدمه فرهنگ قواس اصلاح شده است؛ چرا که مؤلف دستورالافاضل خود به این نکته اشاره کرده که وی بعضی از مطالب را از فرهنگ قواس نقل کرده است.

استاد در تصحیح دستورالافاضل از فرهنگ‌های‌های زفان‌گویا، جهانگیری، رشیدی، مدارالافاضل، بحرالفضایل، لسان‌الشعرا، نظام، مجمع‌الفرس، برهان قاطع، شرف‌نامه، ادات‌الفضلا، لغت‌نامه دهخدا، جوامع‌الحکایات، حدایق‌السحر، قرآن حکیم، خسرو شیرین نظامی گنجوی، تاج‌المآثر نظامی و غیره استفاده کرده است. یک نسخه چاپ آزمایشی این کتاب از ایران برای استاد فرستاده شد تا یک بار دیگر با نسخه عکسی اصل مطابقت داده شود. استاد تقریباً ۱۰۲ مورد تصحیح در حاشیه و ۶۷ مورد تصحیح در متن کتاب انجام داد و آن را برای چاپ نهایی به ایران فرستاد. این فهرست اغلاط به صورت پیوست در آخر کتاب چاپ شده است.

در مجموعه‌ای که از کراچی برای استاد فرستاده شد، متن دستورالافاضل نیز موجود بود و من یقین دارم که استاد این فرهنگ را نیز مانند فرهنگ‌های دیگر با این نسخه مطابقت داده و متنی ترتیب داده است. ولی متأسفانه نتوانستم این متن را پیدا کنم و این متن در ذخیره کتب وی موجود نیست.

۳. زفان‌گویا و جهان‌پویان: در سال ۱۹۶۲ م پروفیسور سید حسن از دانشگاه پتنه مقاله‌ای با عنوان زفان‌گویا و جهان‌پویان به چاپ رساند و در سال ۱۹۶۴ م بایفسکی مقاله‌ای با عنوان «مقدمه زفان‌گویا» منتشر کرد. استاد پس از مطالعه این دو مقاله متوجه شد که نویسندگان هر دو مقاله دچار اشتباهاتی شده‌اند و وی تصمیم گرفت

که این فرهنگ را تصحیح کند. وی دو نسخه این فرهنگ را از کتابخانه خدابخش پتته و تاشکند حاصل کرد. نسخه پتته تقریباً کامل ولی نسخه تاشکند ناقص و پر از اشتباه بود و کاتب تغییرات زیادی در آن انجام داده بود. استاد با مقایسه دو متن و با کمک فرهنگ قواس، صحاح، مؤید، فرس، معین، ادات، دستور، شرف‌نامه، جهانگیری، رشیدی، بحرالفضائل، مدار، دستورالاحوان و غیره متنی تحقیقی و انتقادی آماده کرد. کتابخانه خدابخش این فرهنگ را به دلیل کامل نبودن این دو نسخه در سال ۱۹۸۹ م به عنوان جلد اول منتشر کرد. در نسخه چاپی بحث واژه‌های مفرد نیز آورده شده است. در متن زفان، اول واژه و بعد معنی آن به اختصار ذکر شده است. استاد تصحیح، توضیح و تشریح هر واژه را به تفصیل در حاشیه آورده است که حاکی از تخصص وی در رشته فرهنگ‌نویسی است. استاد همچنین مقدمه فارسی و انگلیسی مفصلی در متن آورده است.

استاد علاوه بر دستور زبان فارسی، عربی و اردو با عروض و قافیه نیز آشنایی کاملی داشت و به همین سبب وی فرهنگ‌های بازیافته را از این نظر نیز بررسی کرده و نواقص و محاسن آن را در مقدمه مفصل خود آورده و واژه‌هایی را به عنوان شاهد نقل کرده است. استاد همچنین به این نکته اشاره کرده است که به دلیل ناآشنایی به زبان ترکی وی نتوانسته است واژه‌های ترکی را همانند واژه‌های فارسی تصحیح کند و از این بابت عذرخواهی کرده است. این امر اولین ویژگی مصحح از نظر اصول تحقیق است.

استاد درباره ویژگی‌های فرهنگ زفان می‌گوید که این فرهنگ از فرهنگ‌های گذشته حجیم‌تر است و واژه‌های بیشتری را در خود جای داده است و این فرهنگ قدیمی‌ترین فرهنگ موجود است که در آن واژه‌های فارسی، عربی، ترکی و رومی در فصل‌های مختلف قرار داده شده است و استفاده از قواعد زبان عربی مانند جمع و تنوین فقط برای واژه‌هایی درست قرار داده شده است که در فارسی و نه فارسی سره رواج دارند. استاد همچنین فرق بین واژه‌های عربی و فارسی، ساخت واژه‌های مفرد و مرکب، آوردن واژه‌های هندی رایج در آن زمان برای تشریح واژه‌های فارسی و بیان صورت‌های مختلف واژه را از نظر زبان‌شناسی مهم قلمداد می‌کند.

به گفته استاد این فرهنگ قدیمی‌ترین فرهنگی است که واژه‌هایی را که با زای عربی و فارسی آغاز یا ختم می‌شوند، در خود جای داده است و فرق گاف و کاف را نیز مشخص کرده است. بخشی از فرهنگ مختص مصادر فارسی است که می‌تواند کمک مهمی در تعیین ریشه واژه‌ها باشد. مؤلف اکثراً از بیان شواهد شعری پرهیز کرده است؛ ولی در بعضی موارد اشعار خود را آورده است. استاد این اشعار را سست می‌خواند.

استاد نسخه کامل زفان‌گویا را از مجموعه کراچی به دست آورد و به کمک آن جلد دوم این فرهنگ را آماده کرد. این جلد شامل شش بخش و دو جزء است. جزء اول مربوط به کنایاتی است که در نسخه تاشکند نیز یافت می‌شود و جزء دوم نهایت فرهنگ‌نامه نام دارد. بخش هفتم شامل واژه‌های ترکی است. هر دو جلد مقدمه فارسی و انگلیسی دارد. در این مقدمه وی درباره نحوه تصحیح فرهنگ و نواقص و محاسن آن بحث کرده است. وی برای آماده‌سازی جلد دوم فرهنگ علاوه بر استفاده از فرهنگ‌هایی که از آنها در آماده‌سازی جلد اول استفاده شده بود، از مقالات شیرانی، پنجاب می‌س اردو و شاهنامه نیز استفاده کرده است. تلاش استاد بر این است که اگر واژه‌ای جا مانده یا اشتباه نوشته شده است، آن را به کمک فرهنگ‌های دیگر کامل کند. وی مطالب منقول از فرهنگ‌های دیگر را با اصل مقابله کرده و کمی و زیادی آن را در حاشیه آورده است. وی برای تصحیح واژه‌های عربی از فرهنگ‌های عربی استفاده کرده است. استاد واژه‌هایی را که مؤلف در نقل آنها اشتباه کرده است، در متن به همان صورت باقی گذاشته و در حاشیه به آن اشاره کرده است. بعضی از واژه‌های ناخوانا را استاد خود و واژه‌های هندی را به کمک کتاب‌های هندی تصحیح کرده است. در توضیح بعضی از واژه‌ها مؤلف فقط کلمه «معروف» آورده است که ممکن است خواننده گمان کند این معنی آن واژه است، مصحح برای رفع این اشتباه همراه «معروف» «است» نیز اضافه کرده است. تصحیح و تنقید این فرهنگ دال بر کثرت مطالعه و تلاش استاد و تخصص وی در امر فرهنگ‌نویسی است.

۴. فرهنگ لسان‌الشعرا: این فرهنگ در زمان فیروزشاه تغلق (۷۹۰-۷۵۳ ق) تألیف شده است؛ ولی تاریخ دقیق تألیف آن مشخص نیست. مؤلف در متن کتاب در ضمن قصیده‌ای کلمه عاشق را به کار برده و استاد چنین نتیجه‌گیری کرده است که این کتاب تألیف شخصی به نام عاشق است. استاد دو نسخه از این فرهنگ را به دست آورد؛ یک نسخه در مجموعه کراچی و دیگر در فلورانس ایتالیا.

مصحح به کمک این دو نسخه و کتاب‌ها و فرهنگ‌های دیگر این متن را تصحیح کرد و مقدمه‌ای فارسی و انگلیسی به آن اضافه کرد. استاد در مقدمه به این نکته اشاره کرده است که این فرهنگ برای رفع بعضی از کاستی‌های فرهنگ اسدی و قواس نوشته شده است. به گفته مؤلف لسان‌الشعرا، فرهنگ اسدی به ابواب مختلف تقسیم‌بندی شده است؛ ولی فصل ندارد و فرهنگ قواس باب و فصل هیچ کدام را ندارد؛ ولی در لسان‌الشعرا هر دو موجود است. در این فرهنگ واژه‌های هم وزن یک واژه نیز آورده شده است. استاد در مقدمه خود به این نکته اشاره کرده و آن را با فرهنگ‌های دیگر مقابله کرده است. یکی از مآخذ این فرهنگ رساله‌النصیر است. مصحح در مقدمه خود تمام واژه‌های منقول از این رساله را ذکر کرده است.

به گفته استاد فرهنگ قواس در هند نوشته شده و به همین دلیل بسیاری از واژه‌های هندی مستعمل در آن نقل شده و نام بعضی از شهرها و روستاها نیز آورده شده است که منبع خوبی برای اطلاع از رسوم هندی است. مصحح همه این موارد را در حاشیه آورده است.

نام کامل این فرهنگ لسان‌الشعرا و بیان‌الفضلا است. مصحح برای تصحیح این اثر از لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ‌های قواس، صحاح، زفان، مؤید، مدار، جهانگیری، جعفری، سرمه سلیمانی، معین، سروری، رشیدی، برهان قاطع، بحرالفضایل، مجمع‌الفرس، آنند راج، دستور، معیار جمالی، نظام و معجم‌البلدان یا قوت حموی، زین‌الخبار گردیزی، کتاب‌البلدان، دستورالاحوان، سبک‌شناسی ابن‌القیه، چهار مقاله چاپ معین، هدایت‌المتعلمین، تاریخ وصاف، ناظم‌الاطبا، مقدمه‌الادب زمخشری، تعلیقات تاریخ بخارا، قانون فی الطب ابن سینا، حدودالعالم، کشف‌الاسرار، تعلیقات،

طبقات ناصری عبدالحی حبیبی، غیث اللغات، شرف‌نامه و فرهنگ‌ها و کتاب‌های دیگر استفاده کرده است.

وی متن را با اصل فرهنگ‌ها مقابله داده و اختلافات را در حاشیه آورده است. در این فرهنگ بعضی از واژه‌ها به اشتباه نقل شده است. مثلاً یافربه به معنی بازیگر آمده است. مصحح به این موارد اشاره کرده است که مثلاً یافربه در اصل یاریگری بود. اگر نام شهری در متن آمده مصحح درباره آن توضیح داده است که این شهر در کدام منطقه واقع است، تاریخی است یا خیر و از شهر اصلی چقدر فاصله دارد. مصحح همچنین ابیات موجود در متن را از دیوان‌ها استخراج و نام شاعر را نیز ذکر کرده است. مصحح در آخر کتاب فهرست الفبایی واژه‌ها را نیز آورده است.

۵. نقد قاطع برهان: محمد حسین بن خلف تبریزی در سال ۱۰۶۲ ق کتاب برهان قاطع

را تألیف کرد. غالب دهلوی شاعر مشهور اردو و فارسی در رد آن کتاب قاطع برهان را نوشت. استاد نذیر احمد کتاب قاطع برهان غالب را نقد و بررسی کرده است. این متن انتقادی به کمک فرهنگ‌های قدیم و جدید آماده شده و در آن برای نخستین بار با توجه به فرهنگ‌های قواس، دستور، زفان، بحرالفضایل و غیره مسائل اختلافی بیان شده است. استاد با مطالعه تطبیقی برهان قاطع، قاطع برهان و فرهنگ‌های دیگر به این نتیجه رسید که بیشتر اعتراضات غالب بر برهان نادرست است. غالب و برهان هر دو از جعل دست‌انبرده اطلاع نداشتند و غالب به افادیت متن و زبان این کتاب جعلی اذعان می‌کرد. مؤلف برهان و غالب از اصل هزوارش نیز اطلاع نداشتند که در آن املا به رسم الخط پهلوی است؛ ولی قرائت به رسم الخط دیگری است. مثلاً واژه‌ای در رسم الخط پهلوی اخ نوشته می‌شود؛ ولی برات تلفظ می‌شود.

نقد قاطع برهان به بررسی اشتباهات غالب در زمینه نقد برهان قاطع می‌پردازد. در زمان غالب بیشتر فرهنگ‌ها و متون هنوز منتشر نشده بودند و غالب نتوانست از آنها استفاده کند. ولی امروزه وضعیت تغییر کرده است. اگرچه غالب بسیار تیزهوش بود اما درباره این کتاب اشتباهاتی از وی سرزده است. در قاطع برهان اول واژه بعد خلاصه تشریحی که برهان قاطع درباره آن آورده و سپس اعتراض غالب و نقد آن آمده است. استاد نذیر احمد در نقد قاطع برهان اول واژه، سپس تشریح آن در

برهان، سپس اعتراض غالب و بعد از اینها توضیحات موجود درباره آن لفظ در فرهنگ‌های دیگر را بررسی کرده است. وی در بیشتر موارد اعتراضات غالب را نادرست دانسته است.

استاد با استفاده از فرهنگ‌های برهان قاطع، جهانگیری، سروری، رشیدی، نظام، مؤید، ادات، شرف‌نامه، معیار جمالی، غیاث‌اللغات و لسان و کتاب‌های مقدمه‌الادب، حدائق‌السحر رشید و طواط، مکاتیب سنایی، راحة‌الصدور و... به نقد اعتراضات غالب پرداخت. با مطالعه نقد استاد نذیر احمد می‌توان دریافت که غالب در این زمینه مطالعه وسیعی نداشت. پژوهشگران ایرانی نیز واژه‌های دستاویزی را هم‌پله الفاظ اصیل فارسی نمی‌دانند و آنهایی که چنین عقیده‌ای دارند خادمان راستین زبان فارسی نیستند.

استاد درباره اشتباهات غالب در مورد واژه‌های جعلی نیز بحث کرده است. در این کتاب حدوداً ۲۰۰ واژه از برهان نقل شده است و اعتراضات غالب با استفاده از فرهنگ‌های مختلف بررسی شده است. وی در آخر کتاب فهرست الفبایی واژه‌ها را نیز آورده است، بعد از آن فهرست اشخاص و سپس فهرست کتاب‌ها قرار دارد. این موارد از نکات مهم اصول تحقیق هستند و با مطالعه این کتاب استعدادهای انتقادی استاد را به خوبی درک می‌کنیم.

استاد نذیر احمد نه فقط به تصحیح فرهنگ‌ها همت گماشت بلکه درباره فرهنگ‌ها و لغات، مقالات خوبی به زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی نوشت. فهرست اجمالی این مقالات به شرح زیر است:

- ۱) محمد قاسم سروری نویسنده مجمع‌الفرس (فارسی)؛
- ۲) سهم فرهنگ‌های فارسی در تشکیل واژه‌های فارسی بدون سابقه (فارسی) میر جمال‌الدین حسین انجوی شیرازی؛
- ۳) فرهنگ تحفة السعادت؛
- ۴) برهان قاطع؛
- ۵) فرہنگ و فانی اور اس کا قدیم ترین مخطوطہ (فرہنگ و فانی و قدیمی ترین نسخه خطی آن).
فرہنگ (۶) گول میں غلط فارسی الفاظ . (واژه‌های نادرست فارسی در فرهنگها)؛

- (۷) تصحیفات و فارسی لغات؛
- (۸) فرهنگ جعفری؛
- (۹) فرهنگ‌نامه قواس؛ در این مقاله مسائل مرتبط با فرهنگ‌هایی که به ترتیب موضوع مرتب شده‌اند مورد بحث قرار گرفته است؛
- (۱۰) نقد قاطع برهان؛
- (۱۱) فرهنگ قواس کا ایک جعلی نسخہ (یک نسخه جعلی فرهنگ قواس).
- (۱۲) نقد فرهنگ غالب؛
- (۱۳) لسان الشعراء؛
- فرہنگ قواسی کا نسخہ کراچی اور اس کے دو بلی حاسر یہ ہے (نسخہ کراچی فرهنگ قواس و حاشیہ‌های آن).
- تقدیم فارسی فرہنگ . گوں ل فای گویا) میں اردو عناصر (عناصر زبان اردو در فرهنگ‌های فارسی قدیم).
- الذکر فیہ . لایس ہندوستانی عناصر (عناصر ہندی در ادات الفضلا).
- فلاسی تحریر اور اس کا فارسی فرہنگ . گوں پراثر (متون فارسی و تأثیر آن بر فرهنگ‌های فارسی).
- (۱۸) مدارالافاضل کی ترتیب نو پر ایک نظر (نگاہی بر ترتیب جدید مدارالافاضل).
- این مقالات در مجلات مؤقر ہند و خارج ہند منتشر شدہ اند. استاد تلاش می‌کرد این فرهنگ‌ها را معرفی کند. بہ قول استاد نذیر احمد وی متن زفان را بہ کمک دو نسخه آماده کرد؛ ولی متنی انتقادی متعلق بہ ہمین اثر بہ کمک حبیب‌اللہ طالبی در سال ۱۳۸۱ ش در ایران منتشر شد. این متن براساس نسخه خطی بہ نام فرهنگ پنج بخشی کہ در مجلس سنای سابق موجود است، آماده شدہ است. نسخه عکسی آن در کتابخانہ مرکزی دانشگاہ تہران بہ نام فرهنگ لغات فرس موجود است. نکته مهم این است کہ این نسخه نیز براساس نسخه موجود در ہند است.
- استاد مقالہ‌ای بہ نام «فرہنگ وفائی اور اس کا قدیم ترین مخطوط» نوشتہ است. این نسخه در کتابخانہ مولانا آزاد شہر علیگر محفوظ است. این فرهنگ در سال ۹۳۳ ق نوشتہ شدہ است و کتابت آن ہشت سال بعد در سال ۹۴۱ ق انجام گرفتہ است و قدیم ترین فرهنگ بہ شمار می‌رود.

در آخر راقم الحروف بدون هیچ تردیدی می‌تواند بگوید که تصحیح فرهنگ کار مشکلی است؛ ولی استاد این کار را به آسانی و با علاقه انجام داده است. با مطالعه فرهنگ‌های تصحیح شده توسط وی و مقالات وی می‌توان دریافت که استاد فردی دیانت‌دار، خبره در زبان فارسی و عربی، ماهر عروض، علم تخریج و فن نقد، بهترین حاشیه و مقدمه‌نویس، تیزهوش، نسخه‌شناس، آگاه از تاریخ کاغذ و جوهر و... بوده است.

کتابنامه

۱. دستورالافاضل، تألیف حاجب خیرات دهلوی، تصحیح و تنقید پروفیسور نذیر احمد، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۳ م.
۲. فرهنگ زفان‌گویا، تألیف بدر ابراهیم، به کوشش دکتر حبیب‌الله طالبی، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پارینه، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۳. فرهنگ زفان‌گویا، ج اول و دوم، تألیف بدر ابراهیم، تصحیح و تعلیق پروفیسور نذیر احمد، خدابخش لائبریری، پتنه، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۷ م.
۴. فرهنگ قواس، فخرالدین مبارک‌شاه غزنوی، تصحیح و حاشیه پروفیسور نذیر احمد، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م.
۵. فرهنگ قواس، مصحح پروفیسور نذیر احمد، کتابخانه رضا رامپور، ۱۹۹۹ م.
۶. فرهنگ لسان‌الشعرا، عاشق، ترتیب و تصحیح پروفیسور نذیر احمد، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۳۷۴ ش/ ۱۹۹۵ م.
۷. فرهنگ وفایی، تألیف حسین وفایی، دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۷۴ ش.
۸. قاطع برهان، میرزا اسدالله خان غالب.
۹. نقد قاطع برهان مع ضمامم، پروفیسور نذیر احمد، مؤسسه غالب، دهلی نو، ۱۹۸۵ م.